



پیدایش مدیریت و گزارشگری سرمایه فکری در دانشگاهها

حسنعلی آقاجانی¹، یاسمن خلیلی²

¹ دانشیار گروه مدیریت صنعتی، دانشکده علوم اقتصادی و اداری دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران؛ aghajani@umz.ac.ir

² دانشجوی دکتری حسابداری، دانشگاه مازندران و مربی حسابداری، دانشگاه پیام نور؛ yassamankhalili@gmail.com

چکیده

در دهه اخیر، علاقه زیادی به کاربرد نگرش سرمایه فکری در دانشگاهها بوجود آمده است و محققان بسیاری در جهان، به اهمیت مدیریت و گزارشگری سرمایه فکری در دانشگاهها و مراکز آموزشی و پژوهشی اشاره کردهاند و این موضوع بخصوص مورد توجه کشورهای اروپایی از سالهای قبل تاکنون بوده است. سرمایه فکری در دانشگاهها موجب بهبود عملکرد و رقابت سازمانی، رتبه‌بندی مناسب دانشگاهها و افزایش شفافیت و مسئولیت پاسخگویی می‌شود. این مقاله مروری دارد بر پیدایش مدیریت و گزارشگری سرمایه فکری در دانشگاهها که از مدل اجباری سرمایه فکری در دانشگاههای اتریش آغاز گردید.

واژگان کلیدی

مدیریت، گزارشگری سرمایه فکری، دانشگاهها

1- مقدمه

هدف اصلی افزایش سرمایه فکری، تهیه اطلاعات مفید برای سهامداران سازمان است و سازمان باید آن دسته از اطلاعاتی را افشا سازد که بتواند نیازهای اطلاعاتی گروه بیشتری از سهامداران را تامین کند. آبی سکرا و گوتی (2002) گزارشگری سرمایه فکری را به صورت زیر تعریف کردند: "گزارشگری خارجی به منظور مواجه شدن با نیازهای اطلاعاتی معمول استفاده‌کنندگان که قادر به درخواست تهیه گزارش‌های سفارشی و خاص مرتبط با سرمایه فکری برای برآورده نمودن نیازهای اطلاعاتی آنها نمی‌باشند." (همتی و جلیلی، 1393).

مدیریت و گزارشگری سرمایه فکری در دهه 1990 به عنوان پاسخی در مقابل سرمایه‌گذارانی همیشه در حال افزایش داراییهای نامشهود یا سرمایه فکری از قبیل آموزش کارمندان، نوآوری‌ها، تحقیق و توسعه، روابط مشتری و فقدان روشهای حسابداری موجود برای فراهم کردن اطلاعات کافی در مورد مدیریت این سرمایه‌گذاران بوجود آمد. علاوه بر این اطلاعات برای ذینفعان خارجی برای حمایت از تصمیم‌گیریهایشان باید فراهم شود (لیتنروهمکاران، 2014). اگرچه مفهوم سرمایه فکری در ابتدا توسط شرکتها مورد پذیرش قرار گرفت، ولی مدت

کوتاهی پس از آن توسط سازمان‌های عمومی و به‌خصوص دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی و پژوهشی مورد توجه قرار گرفت.

امروزه دانشگاه‌ها، با چالش‌های زیادی روبه‌رو هستند و برای مقابله با این چالش‌ها باید انعطاف‌پذیرتر، شفاف‌تر، رقابتی‌تر و قابل مقایسه باشند و به همین دلیل به مدیریت آگاهانه فرایندهای ایجاد دارایی‌های دانش خود و تجدید سازمان ارزش سرمایه فکری برای ادامه نقش خود در جامعه نیاز دارند (لیتنروهمکاران، 2014). این چالش‌ها می‌تواند تخصیص بودجه، تعداد دانشجویان، رتبه‌بندی دانشگاه‌ها و یا حتی تغییر رییس دانشگاه باشد. بنابراین، در ارزیابی عملکرد دانشگاه‌ها و مدیران آنها به خصوص در مورد دانشگاه‌هایی که از بودجه دولتی استفاده می‌کنند آنچه بیش از همه خودنمایی می‌کند مدیریت صحیح، کارا و اثربخش سرمایه‌های فکری موجود در این سازمانهاست (تقی نتاج و مومن‌زاده، 1391).

2- پیدایش سرمایه فکری دانشگاه‌ها در اتریش

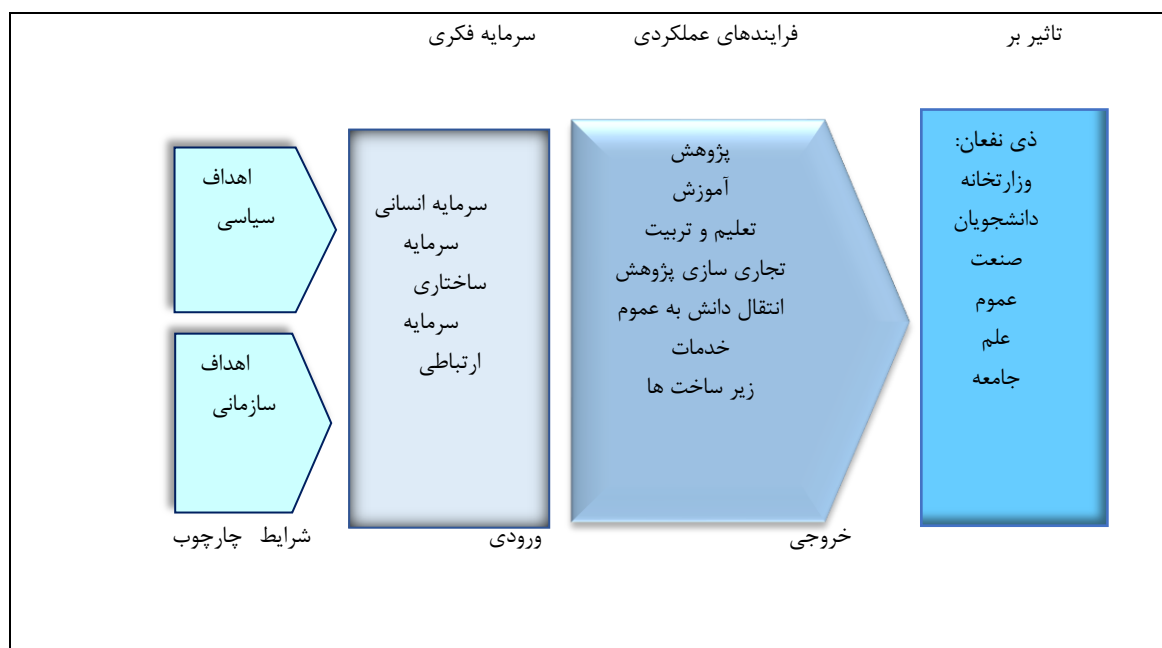
در اواخر دهه 1990، ابزار گزارشگری سرمایه فکری در مورد سازمانهای پژوهشی و دانشگاهها پذیرفته شد. اتریش اولین کشوری بود که ایده گزارشگری سرمایه فکری به‌طور گسترده‌ای برای سازمان‌های پژوهشی و دانشگاهها را پذیرفت. در سال 1999 مراکز پژوهشی اتریش اولین سازمان پژوهشی اروپایی بود که گزارش سرمایه فکری را برای آن سازمان منتشر کرد. اولین گزارش سرمایه فکری براساس یک مدل سرمایه فکری خاصی بود که مشخصات یک انستیتوی پژوهشی را نشان می‌داد (لیتنرو همکاران، 2002). هدف گزارش سرمایه فکری، حمایت اطلاعاتی برای مدیریت سرمایه‌گذاری نامشهود و افشای اطلاعات برای ذینفعان خارجی بود. پس از مدت کوتاهی سازمانهای پژوهشی دیگری در اتریش و آلمان، گزارشهای سرمایه فکری را به همان ترتیب ارائه کردند (لیتنر و واردن، 2004). در سال 2001 وزارت فرهنگ و علوم اتریش قانون جدید دانشگاهی را اجرا کرد. قانون جدید دانشگاه، چارچوب سازمانی همه دانشگاه‌های دولتی اتریش را باتوجه به بودجه‌بندی، حاکمیت، ساختارهای مدیریت، ارزیابی و حقوق کارکنان دانشگاه مشخص می‌کرد. نهایتاً، در مسیر تعریف قانون جدید دانشگاه در سال 2002، آن وزارتخانه ایده گزارشگری سرمایه فکری را پذیرفت. سیاست‌گذاران و خبرگان که مسئولیت توسعه قانون جدید دانشگاه را داشتند، نیاز به فراهم کردن شاخص‌های قابل مقایسه‌ای در مورد سرمایه فکری و همچنین در مورد خروجی‌های مختلف یک دانشگاه را تشخیص دادند، چون مدیریت صحیح سرمایه فکری در دانشگاه‌ها، تاثیر مهمی بر عملکرد و استفاده کارآمد وجوه مالی سرمایه‌گذاری شده دارد. تجدید سازمان دانشگاه‌های اتریش، تقاضا برای چنین ابزار جدیدی را نشان می‌داد. چون دانشگاه‌ها با استقلال بیشتری روبه‌رو می‌شدند و می‌توانستند تصمیم‌گیریهایی بهتری را در مورد اختصاص منابع با توجه به داراییهای مشهود و نامشهود خود بگیرند.

گزارشگری سرمایه فکری برای دانشگاه‌های اتریش باید اطلاعاتی را برای ذینفعان مختلف دانشگاه فراهم می‌کرد. وزارت نیز بدان وسیله از یک مرور بهتری از توسعه سیستم ملی دانشگاه، نقاط قوت و ضعف در زمینه‌های مختلف بهره می‌برد و به این ترتیب اطلاعاتی را به‌دست می‌آورد تا بتواند بطور موثری سیاست‌های ملی مربوط به علوم و

آموزش را اجرا کند. به این ترتیب گزارشگری سرمایه فکری باید به عنوان وسیله مدیریتی برای دانشگاه و همچنین وسیله ارتباطی بین دانشگاهها و وزارتخانه باشد. بین سالهای 2002 تا 2006، وزارتخانه و کنفرانس رکتورز اتریش یک قانون ایجاد کرد که طبق آن قانون، شاخص‌هایی را برای همه دانشگاه‌ها که بتوانند منتشر کنند، تعریف کرد. نهایتاً منجر به تعریف 53 شاخص در 5 طبقه شد که شامل سرمایه انسانی، سرمایه ساختاری، سرمایه ارتباطی، پژوهش و آموزش می‌شد. دو مورد آخر به عنوان خروجی تفسیر شد. منطق مدل سرمایه فکری اتریش مشابه مفهوم-گرایی فرایند نوآوری و فرایندهای پژوهشی است که بطور مکرر ورودی‌ها، فرایندها و خروجی‌ها را جدا می‌کند. در نهایت، بنابه دستور وزارت فرهنگ و علوم اتریش، دانشگاه‌های اتریش از سی‌ام آوریل 2007 مجبور شدند که گزارش سرمایه فکری را در هر سال منتشر کنند. به دنبال مدل گزارش سرمایه فکری اتریش، دانشگاه‌های دیگری نیز گزارش سرمایه فکری را در کشورهای همجوار به کار بردند (لیتنرو همکاران، 2014). در ادامه به سه مورد از پژوهش‌های سرمایه فکری در دانشگاه‌های اتریش اشاره می‌شود که موجب تاثیرگذاری در فرایند مدیریت و گزارشگری سرمایه فکری در دانشگاه‌های اتریش شدند:

2-1 لیتنر (2002)

در سال 2002 لیتنر گزارش سرمایه فکری مناسب برای دانشگاه‌ها را ارائه کرد. براساس نظر لیتنر (2002)، دانشگاه‌ها اهداف چندگانه‌ای دارند که تعیین کننده عملکرد آنهاست و برخلاف بخش خصوصی صرفاً بر عملکرد مالی متمرکز نیستند. بنابراین گزارش‌های سالانه آنها به طور متفاوتی بوجود می‌آید و الزاماً براساس استانداردهای حسابداری نیست (بژانی، 2010).



شکل 1. مدل گزارشگری سرمایه فکری برای دانشگاه‌های اتریش، لیتنر (2002)

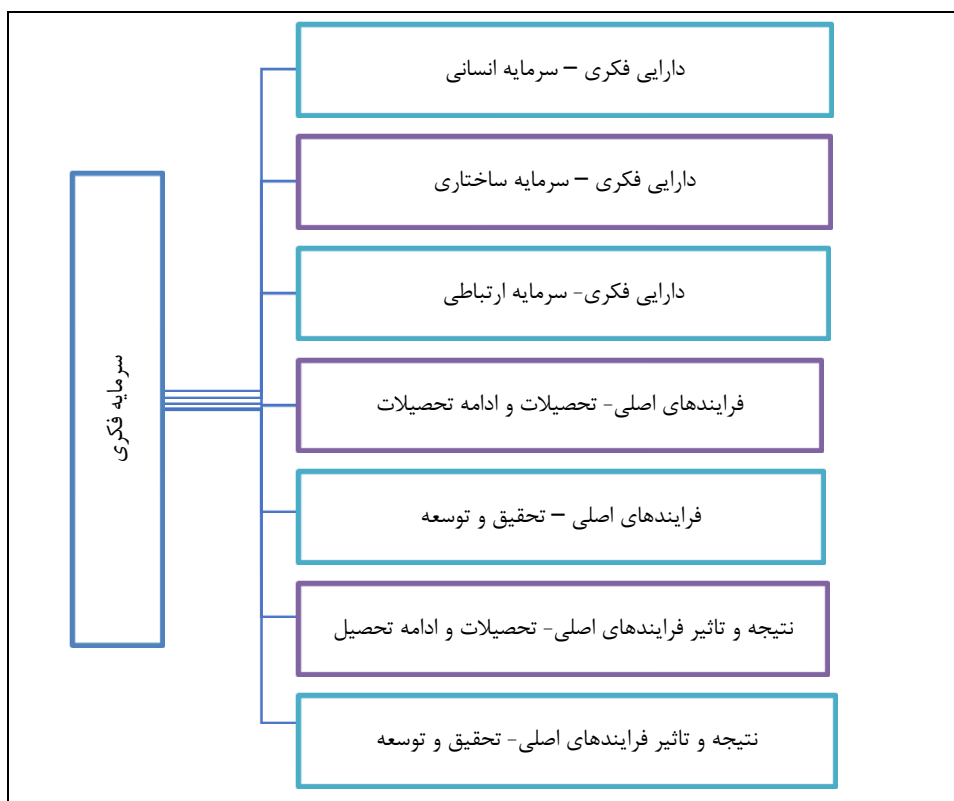
به اعتقاد لیتنر، گزارشگری سرمایه فکری برای دانشگاه‌های اتریش موجب افزایش استقلال تصمیم‌گیری در دانشگاه‌ها، بودجه‌بندی بر مبنای عملکرد، ارزیابی منظم، توجه به هدف و خروجی دانشگاه و افزایش شفافیت و ارتباطات دانشگاه می‌شود. به اعتقاد لیتنر، گزارشگری سرمایه فکری برای دانشگاه‌های اتریش موجب افزایش استقلال تصمیم‌گیری در دانشگاه‌ها، بودجه‌بندی بر مبنای عملکرد، ارزیابی منظم، توجه به هدف و خروجی دانشگاه و افزایش شفافیت و ارتباطات دانشگاه می‌شود.

از دید لیتنر (2002) اهداف گزارشگری سرمایه فکری برای دانشگاه‌ها به شرح زیر می‌باشد:

- ✓ ابزار ارتباطی بین دانشگاه و وزارتخانه : عملکرد، اهداف، ارزش‌ها
- ✓ پشتیبانی برای تدوین استراتژی‌ها و اهداف سازمانی
- ✓ ارائه اطلاعات برای تصمیمات سرمایه گذاری با توجه به سرمایه‌گذاری‌های نامشهود: برنامه های تحقیق و توسعه، توسعه منابع انسانی، و غیره
- ✓ تمرکز بر روی خروجی‌ها و اثرات دانشگاه
- ✓ تا حدودی جایگزینی سیستم گزارشگری سنتی
- ✓ توضیحات جامع از پتانسیل، فرآیندها و عملکرد

2-2 طبقه‌بندی سازمان و مطالعات دانشگاه های اتریش (2002)

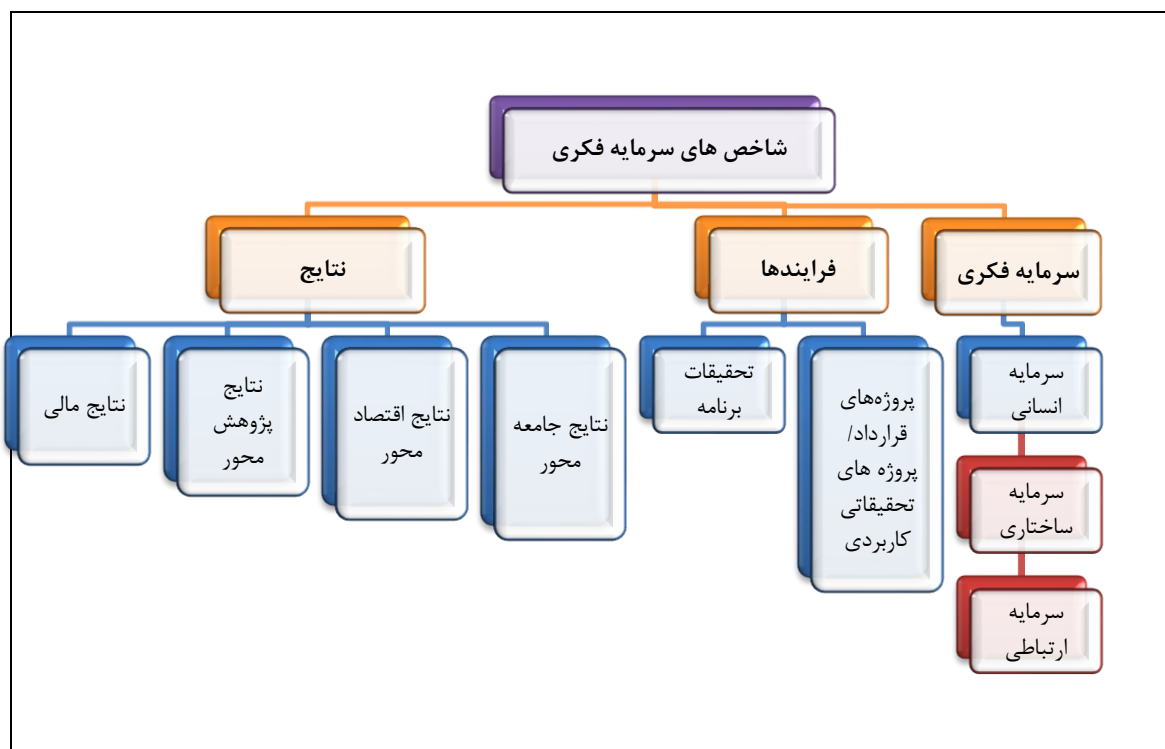
در گزارش سرمایه فکری سازمان و مطالعات دانشگاه‌های اتریش، سرمایه فکری به 7 بخش تقسیم شده است که در سه گروه عمده دارای‌های فکری، فرایندهای اصلی، نتیجه و تاثیر فرایندهای اصلی می‌باشد. دارای فکری شامل سرمایه انسانی، سرمایه ساختاری و سرمایه ارتباطی است و فرایندهای اصلی شامل 2 طبقه تحصیلات و ادامه تحصیلات و همچنین تحقیق و توسعه می‌باشد و نتیجه و تاثیر فرایندهای اصلی شامل 2 طبقه تحصیلات و ادامه تحصیلات و همچنین تحقیق و توسعه است (ولتری و دیگران، 2014).



شکل 2. مدل گزارش سرمایه فکری سازمان و مطالعات دانشگاه های اتریش (2002)

3-2 طبقه بندی لیتنر و واردن (2004)

لیتنر و واردن (2004) سرمایه فکری سازمان های تحقیقاتی را به گروه های سرمایه فکری، فرایندها و نتایج تقسیم بندی کردند. سرمایه فکری نیز به گروه های سرمایه انسانی، سرمایه ساختاری و سرمایه ارتباطی تقسیم بندی شد. فرایندها شامل گروه های تحقیقات برنامه و پروژه های قرارداد/ پروژه های تحقیقاتی کاربردی می شد. همچنین نتایج نیز به چهار گروه نتایج مالی، نتایج پژوهش محور، نتایج اقتصاد محور و نتایج جامعه محور تقسیم شد. لیتنر و واردن این تقسیم بندی و لیست شاخص های انتخابی خود را براساس طبقه بندی سرمایه فکری مراکز تحقیقاتی اتریش (2001) انجام دادند.



شکل 3. طبقه بندی لیتنر و واردن (2004)

2- نتیجه گیری و پیشنهادات

در حال حاضر دانشگاه‌ها برای تعیین ارزش واقعی خود به مبنایی نیاز دارند که در گزارش‌های مالی آنها منعکس نیست، چون مهمترین منابع دانشگاه‌ها نیروی انسانی و دانش آنهاست. این مبنا می‌تواند از طریق مدیریت و گزارشگری سرمایه فکری مهیا شود. علاوه بر آن مدیریت و گزارشگری سرمایه فکری می‌تواند در تخصیص بودجه و ارزیابی عملکرد و مسئولیت پاسخگویی مدیران به دانشگاه‌ها کمک کند. پیدایش و شکل‌گیری سرمایه فکری در دانشگاه‌ها به تلاش اتریش در گزارش اجباری سرمایه فکری دانشگاه‌ها وابسته است که در این مقاله به آن اشاره شد و مورد بررسی قرار گرفت. این تلاش‌ها منجر به توجه سایر دانشگاه‌ها در دیگر کشورها شد تا به سوی گزارشگری و مدیریت سرمایه فکری روی آورند که در نهایت به تعیین ارزش واقعی دانشگاه‌ها می‌انجامد.

در ادامه برای تحقیقات آینده موارد زیر پیشنهاد می‌شود:

- مروری بر پیدایش مدیریت و گزارشگری سرمایه فکری در دانشگاه‌های سایر کشورها
- مقایسه گزارش سرمایه فکری در دانشگاه‌های دنیا
- استفاده از مدل گزارشگری سرمایه فکری دانشگاه‌های اتریش برای دانشگاه‌های ایران

3- منابع

- تقی نتاج، غلامحسن و مومن زاده، محمد مهدی. (1391). ارائه مدل سنجش و گزارشگری سرمایه فکری در آموزش عالی: با تأکید بر رهیافتهایی برای دانشکده‌های حسابداری و علوم مالی. دهمین همایش ملی حسابداری ایران، تهران، دانشگاه الزهرا.
- همتی، هدی و جلیلی، آرزو. (1393). بررسی میزان افشای اطلاعات سرمایه فکری در گزارش‌های مالی شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *حسابداری و حسابرسی*، 5(21)، 116-127.

Bezhani, I. (2010). Intellectual Capital Reporting at UK Universities. *Journal of Intellectual Capital*, 11(2), 179-207.

Intellectual Capital Report. (2007). *Austrian Research Centers*.1-64. Retrieved from http://www.ait.ac.at/fileadmin/cmc/downloads/Berichte/WBs/ARC_WB07_en.pdf

Leitner, K. H., Curaj, A., Elena-Perez, S., Fazlagic, J., Kalemis, K., Martinaitis, Z., Secundo, G., Sicilia, M.A., & Zaksa, K. (2014). *A Strategic Approach for Intellectual Capital Management in European Universities, Guidelines for Implementation, UEFISCDI Blueprint Series*, No. 1, Executive Agency for Higher Education, Research, Development and Innovation Funding, Bucharest.

Leitner, K. H. (2002). Intellectual Capital Reporting for Universities: Conceptual background and application for Austrian universities, *The Transparent Enterprise. The Value of Intangibles "Autonomous University of Madrid Ministry of Economy Symposium 1: Valuing and Managing Intellectual Capital in HEROs*, Madrid, 25-26 November.

Leitner, KH. (2004). Intellectual capital reporting for universities: Conceptual background and application for Austrian universities. *Research Evaluation*, 13(2), 129-140.

Leitner, K. H., & Warden, C. (2004). Managing and reporting knowledge-based resources and processes in research organizations: specifics, lessons learned and perspectives. *Management Accounting Research*, 15, 33-51.

Veltri, S., Mastroleo, G. & Schaffhauser-Linzatti, M. (2014). Measuring intellectual capital in the university sector using a fuzzy logic expert system. *Knowledge Management Research & Practice*, 12, 175-192.

Abstract

During the last decade, there has been an increasing interest in using the approach of intellectual capital in universities. Many researchers in the world have pointed out the importance of intellectual capital management and reporting in universities and educational and research centers. This subject has been specifically significant for the European countries since many years ago. The intellectual capital in universities causes the performance to be better and makes organizational competition, produces suitable ranking in universities, and increases clarity and responding responsibilities.

This article overviews the development of intellectual capital management and reporting in universities, which started from the mandatory model of intellectual capital in the universities of Austria.

Key words:

Management, Intellectual Capital Reporting, Universities